



شهید سید مرتضی آوینی در شهریور سال ۱۳۲۶ در شهر ری متولد شد تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌ی خود را در شهرهای زنجان، کرمان و تهران به پایان رساند و سپس به عنوان دانش‌جوی معماری وارد دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد او از کودکی با هنر انس داشت؛ شعر می‌سرود داستان و مقاله می‌نوشت و نقاشی می‌کرد تحصیلات دانشگاهی‌اش را نیز در رشته‌ای به انجام رساند که به طبع هنری او سازگار بود ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی معماری را کنار گذاشت و به اقتضای ضرورت‌های انقلاب به فیلم‌سازی پرداخت:

"حقیر دارای فوق لیسانس معماری از دانشکده‌ی هنرهای زیبا هستم اما کاری را که اکنون انجام می‌دهم نباید به تحصیلاتم مربوط دانست حقیر هرچه آموختم از خارج دانشگاه است بنده با یقین کامل می‌گویم که تخصص حقیقی در سایه‌ی تعهد اسلامی به دست می‌آید و لاغیر قبل از انقلاب بنده فیلم نمی‌ساخته‌ام اگرچه با سینما آشنایی داشته‌ام. اشتغال اساسی حقیر قبل از انقلاب در ادبیات بوده است... با شروع انقلاب تمام نوشته‌های خویش را - اعم از تراوشات فلسفی، داستان‌های کوتاه، اشعار و... - در چند گونی ریختم و سوزاندم و تصمیم گرفتم که دیگر چیزی که "حدیث نفس" باشد ننویسم و دیگر از "خودم" سخنی به میان نیآورم... سعی کردم که "خودم" را از میان بردارم تا هرچه هست خدا باشد، و خدا را شکر بر این تصمیم وفادار مانده‌ام. البته آن چه که انسان می‌نویسد همیشه تراوشات درونی خود اوست همه‌ی هنرها این چنین هستند کسی هم که فیلم می‌سازد اثر تراوشات درونی خود اوست اما اگر انسان خود را در خدا فانی کند، آن‌گاه این خداست که در آثار او جلوه‌گر می‌شود حقیر این چنین ادعایی ندارم ولی سعیم بر این بوده است."

شهید آوینی فیلم‌سازی را در اوایل پیروزی انقلاب با ساختن چند مجموعه درباره‌ی غائله‌ی گنبد (مجموعه‌ی شش روز در ترکمن صحرا)، سیل خوزستان و ظلم خوانین (مجموعه‌ی مستند خان‌گزیده‌ها) آغاز کرد

"با شروع کار جهاد سازندگی در سال ۵۸ به روستاها رفتیم که برای خدا بیل بزنیم بعدها ضرورت‌های موجود رفته‌رفته ما را به فیلم‌سازی کشاند... ما از ابتدا در گروه جهاد نیتمان این بود که نسبت به همه‌ی وقایعی که برای انقلاب اسلام و نظام پیش می‌آید عکس‌العمل نشان بدهیم مثلاً سیل خوزستان که واقع شد، همان گروهی که بعدها مجموعه‌ی حقیقت را ساختیم به خوزستان رفتیم و یک گزارش مفصل تهیه کردیم آن گزارش در واقع جزو اولین کارهایمان در گروه جهاد بود بعد، غائله‌ی خسرو و ناصر قشقایی پیش آمد و ما به فیروزآباد، آباد و مناطق درگیری رفتیم... وقتی فیروزآباد در محاصره بود، ما با مشکلات زیادی از خط محاصره گذشتیم و خودمان را به فیروزآباد رساندیم. در واقع اولین صحنه‌های جنگ را ما در آن‌جا، در جنگ با خوانین گرفتیم.

گروه جهاد اولین گروهی بود که بلافاصله بعد از شروع جنگ به جبهه رفت دو تن از اعضای گروه در همان روزهای او جنگ در قصر شیرین اسیر شدند و نفر سوم، در حالی که تیر به شانه‌اش خورده بود، از حلقه‌ی محاصره گریخت. گروه بار دیگر تشکل یافت و در روزهای محاصره‌ی خرمشهر برای تهیه‌ی فیلم وارد این شهر شد:

"وقتی به خرمشهر رسیدیم هنوز خونین‌شهر نشده بود شهر هنوز سرپا بود، اگرچه احساس نمی‌شد که این حالت زیاد پر دوام باشد، و زیاد هم دوام نیاورد ما به تهران بازگشتیم و شبانه‌روز پای میز موویلا کار کردیم تا اولین فیلم مستند جنگی درباره‌ی خرمشهر از تلویزیون پخش شد؛ فتح خون."

مجموعه‌ی یازده قسمتی "حقیقت" کار بعدی گروه محسوب می‌شد که یکی از هدف‌های آن ترسیم علل سقوط خرمشهر بود.

"یک هفته‌ای نگذشته بود که خرمشهر سقوط کرد و ما در جست‌وجوی "حقیقت" ماجرا به آبادان رفتیم که سخت در محاصره بود تولید مجموعه‌ی حقیقت این‌گونه آغاز شد."

کار گروه جهاد در جبهه‌ها ادامه یافت و با شروع عملیات والفجر هشت، شکل کاملاً منسجم و به هم پیوسته‌ای پیدا کرد آغاز تهیه‌ی مجموعه‌ی زیبا و ماندگار روایت فتح که بعد از این عملیات تا پایان جنگ به طور منظم از تلویزیون پخش شد به همان ایام باز می‌گردد. شهید آوینی درباره‌ی انگیزه‌ی گروه جهاد در ساختن این مجموعه که نزدیک به هفتاد برنامه است چنین می‌گوید:

"انگیزش درونی هنرمندانی که در واحد تلویزیونی جهاد سازندگی جمع آمده بودند آن‌ها را به جبهه‌های دفاع مقدس می‌کشاندند و وظایف و تعهدات اداری.

اولین شهیدی که دادیم علی طالبی بود که در عملیات طریق القدس به شهادت رسید و آخرین‌شان مهدی فلاحت‌پور است که همین امسال "۱۳۷۱" در لبنان شهید شد... و خوب، دیگر چیزی برای گفتن نمانده است، جز آن که ما خسته نشده‌ایم و اگر باز جنگی پیش بیاید که پای انقلاب اسلامی در میان باشد، ما حاضریم. می‌دانید! زنده‌ترین روزهای زندگی یک "مرد" آن روزهایی است که در مبارزه می‌گذرانند و زندگی در تقابل با مرگ است که خودش را نشان می‌دهد."

اواخر سال ۱۳۷۰ "موسسه‌ی فرهنگی روایت فتح" به فرمان مقام معظم رهبری تاسیس شد تا به کار فیلم‌سازی مستند و سینمایی درباره‌ی دفاع مقدس بپردازد و تهیه‌ی مجموعه‌ی روایت فتح را که بعد از پذیرش قطع‌نامه رها شده بود ادامه دهد. شهید آوینی و گروه فیلم‌برداران روایت فتح سفر به مناطق جنگی را از سر گرفتند و طی مدتی کم‌تر از یک سال کار تهیه‌ی شش برنامه از مجموعه‌ی ده قسمتی "شهری در آسمان" را به پایان رساندند و مقدمات تهیه‌ی مجموعه‌های دیگری را درباره‌ی آبادان، سوسنگرد، هویزه و فکه تدارک دیدند. شهری در آسمان که به واقعه‌ی محاصره، سقوط و باز پس‌گیری خرمشهر می‌پرداخت در ماه‌های آخر حیات زمینی شهید آوینی از تلویزیون پخش شد، اما برنامه‌ی وی برای تکمیل این مجموعه و ساختن مجموعه‌های دیگر با شهادتش در روز جمعه بیستم فروردین ۱۳۷۲ در قتلگاه فکه ناتمام ماند.

شهید آوینی فعالیت‌های مطبوعاتی خود را در اواخر سال ۱۳۶۲، هم‌زمان با مشارکت در جبهه‌ها و تهیه‌ی فیلم‌های مستند درباره‌ی جنگ، با نگارش مقالاتی در ماهنامه‌ی "اعتصام" ارگان انجمن اسلامی آغاز کرد این مقالات طیف وسیعی از موضوعات سیاسی، حکمی، اعتقادی و عبادی را در بر می‌گرفت او طی یک مجموعه مقاله درباره‌ی "مبانی حاکمیت سیاسی در اسلام" آرا و اندیشه‌های رایج در مود دموکراسی، رای اکثریت، آزادی عقیده و برابری و مساوات را در نسبت با تفکر سیاسی ماخوذ از وحی و نهج‌البلاغه و آرای سیاسی حضرت امام(ره) مورد تجزیه و تحلیل و نقد قرار داد. مقالاتی نیز در تبیین حکومت اسلامی و ولایت فقیه در ربط و نسبت با حکومت الهی حضرت رسول(ص) در مدینه و خلافت امیرمؤمنان(ع) نوشت و اتصال انقلاب اسلامی را با نهضت انبیا علیهم‌السلام و جایگاه آن با جنگ‌های صدر اسلام و قیام عاشوا و وجوه تمایز آن از جنگ‌هایی که به خصوص در قرون اخیر واقع شده‌اند و نیز برکات ظاهری و غیبی جنگ و ویژگی رزم‌آوران و بسیجیان، در زمره‌ی مطالبی بود که در "اعتصام" منتشر شد. در مضامین اعتقادی و عبادی نیز تحقیق و تفکر می‌کرد و حاصل کار خویش را به صورت مقالاتی چون "اشک، چشمه‌ی تکامل". "تحقیقی در معنی صلوات" و "حج، تمثیل سلوک

جمعی بشر" به چاپ می‌سپرد. در کنار نگارش این قبیل مقالات، مجموعه مقالاتی نیز با عنوان کلی "تحقیقی مکتبی در باب توسعه و مبانی تمدن غرب" برای ماهنامه‌ی "جهاد"، ارگان جهاد سازندگی، نوشت "بهشت زمینی"، "میمون برهنه!"، "تمدن اسراف و تبذیر"، "دیکتاتوری اقتصاد"، "از دیکتاتوری پول تا اقتصاد صلواتی"، "نظام آموزش و آرمان توسعه یافتگی"، "ترقی یا تکامل؟" و... از جمله مقالات آن مجموعه است. این مقالات بعد از شهادت او با عنوان "توسه و مبانی تمدن غرب" به چاپ رسید این دوره از کار نویسندگی شهید تا سال ۱۳۶۵ ادامه یافت. مقارن با همین سال‌ها شهید آوینی علاوه بر کارگردانی و مونتاژ مجموعه‌ی "روایت فتح" نگارش متن آن را بر عهده داشت که بعدها قالب کتابی گرفت با عنوان "گنجینه‌ی آسمانی". او در ماه محرم سال ۱۳۶۶ نگارش کتاب "فتح خون" (روایت محرم" را آغاز کرد و نه فصل از فصول ده‌گانه‌ی آن را نوشت. اما در حالی که کار تحقیق در مورد وقایع روز عاشورا و شهادت بنی‌هاشم را انجام داده و نگارش فصل آخر را آغاز کرده بود به دلایلی کار را ناتمام گذاشت.

او در سال ۱۳۶۷ یک ترم در مجتمع دانشگاهی هنر تدریس کرد، ولی چون مفاد مورد نظرش برای تدریس با طرح دانشگاه همخوانی نداشت، از ادامه‌ی تدریس صرف‌نظر کرد. مجموعه‌ی مباحثی که برای تدریس فراهم شده بود، با بسط و شرح و تفسیر بیش‌تر در مقاله‌ای بلند به نام "تاملاتی در ماهیت سینما" که در فصلنامه‌ی "فارابی" به چاپ رسید و بعد در مقالاتی با عناوین "جذابی در سینما"، "آینه‌ی جادو"، "قاب تصویر و زبان سینما" و... که از فروردین سال ۱۳۶۸ در ماهنامه‌ی هنری "سوره" منتشر شد، تفصیل پیدا کرد. مجموعه‌ی این مقالات در کتاب "آینه‌ی جادو" که جلد اول از مجموعه‌ی مقالات و نقدهای سینمایی اوست. جمع‌آوری و به چاپ سپرده شد.

سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ دوران اوج فعالیت مطبوعاتی شهید آوینی است. آثار او در طی این دوره نیز موضوعات بسیار متنوعی را شامل می‌شود. هرچند آشنایی با سینما در طول مدتی بیش از ده سال مستندسازی و تجارب او در زمینه‌ی کارگردانی مستند و به خصوص مونتاژ باعث شد که قبل از هرچیز به سینما بپردازد. ولی این مسئله موجب بی‌اعتنایی او نسبت به سایر هنرها نشد. او در کنار تالیف مقالات تئوریک درباره ماهیت سینما و نقد سینمای ایران و جهان، مقالات متعددی در مورد حقیقت هنر، هنر و عرفان، هنر جدید اعم از رمان، نقاشی، گرافیک و تئاتر، هنر دینی و سنتی، هنر انقلاب و... تالیف کرد که در ماهنامه‌ی "سوره" به چاپ رسید. طی همین دوران در خصوص مبانی سیاسی. اعتقادی نظام اسلامی و ولایت فقیه، فرهنگ انقلاب در مواجهه با فرهنگ واحد جهانی و تهاجم فرهنگی غرب، غرب‌زدگی و روشن‌فکری، تجدد و تحجر و موضوعات دیگر تفکر و تحقیق کرد و مقالاتی منتشر نمود.

مجموعه‌ی آثار شهید آوینی در این دوره هم از حیث کمیت، هم از جهت تنوع موضوعات و هم از نظر عمق معنا و اصالت تفکر و شیوایی بیان اعجاب‌آور است. در حالی که سرچشمه‌ی اصلی تفکر او به قرآن، نهج‌البلاغه، کلمات معصومین علیهم‌السلام و آثار و گفتار حضرت امام(ره) باز می‌گشت. با تفکر فلسفی غرب و آرا، و نظریات متفکران غربی نیز آشنایی داشت و با یقینی برآمده از نور حکمت، آن‌ها را نقد و بررسی می‌کرد. او شناخت مبانی فلسفی و سیر تاریخی فرهنگ و تمدن جدید را از لوازم مقابله با تهاجم فرهنگی می‌دانست چرا که این شناخت زمینه‌ی خروج از عالم غربی و غرب زده‌ی کنونی را فراهم می‌کند و به بسط و گسترش فرهنگ و تفکر الهی مدد می‌رساند. او بر این باور بود که با وقوع انقلاب اسلامی و ظهور انسان کاملی چون امام خمینی(ره) بشر وارد عهد تاریخی جدیدی شده است که آن را "عصر توبه‌ی بشریت" می‌نامید. عصری که به انقلاب جهانی امام عصر(عج) و ظهور "دولت پایدار حق" منتهی خواهد شد.